

پیکار

صفحه ۴

سال دوم - دوشهه ۳۰ تیر ۱۳۵۹ بهاری

زمانیکه رویزیونیستها به

آستانبوسی بورزوای میروند

برمی آیدتا میا روزه طبقاتی را اسکار سیموده و صلح
اجتماعی نحت حاکمیت بورزوای را موظده می‌نماید،
انقلاب اجتماعی را درکرده و حکومت بورزوای را
ساست ساید، اصل وجودی سازمانهای مخفی، غیر
قابوی و اتفاقی را اسکار کرده وطن پرسی شویندی
و بورزوای را تسلیع و ترویج نماید. آن این
جریان روزیبویستی و ابورتویستی مانند همین
جریانات روزیبویستی و ابورتویستی به جامی
تفویض بورزوای در درون برولترا ریا و سایر توهدهای
زمینکش تبدیل نمی‌شود.

بدین ترتیب بود که جریان روزیبویستی
اکثریت به هر هری فرج سکهدا روشکار، از اسقلاب بطور
روشن فاصله گرفته و درگاه بورزوای روى مساورد
و سپس با انسخا مبخدمیدن به منی روزیبویستی خود
میکنند عمل خود را برای انسخا اطمینان کا مل بخند.
این جریان امروزت ابد انجا سقوط کرده است کارابه
درگزیکی در آستان هیات حاکمه مخلفی ایران روی
آورده است و در بیان آن برآمده تا اسکار به منی سازش
طبقاتی جهت خاموش کردن اسقلاب بکوئد. مذاکره دو
تمن از رهبران جریان روزیبویستی اکثریت با فرد
منقولی. چون بهشتی خان سموش ای از لشکر دادلایی
رهبران روزیبویست این جریان علیه اسقلاب و
نیروهای انقلابی بشمار می‌اید. آنها اسکار را بدایان
مرتعجن آن و بخته و با غمزه های شهود آریکشندیه
بهای خیانت به منافع و مصالح انقلاب تا شیرینی
حقیری از دشمنان خلخالی ایران میکنند. این اقدام
کیا دیگر سقط روزیبویستی این جریان و در عین
حال چه که روزیبویستی هم بورزوای روزیبویستی را به
نمایش میگذارد، جوهر اساسی معاصره اعتمادیه
بورزوایی، مخالفت با اسقلاب و علام مادگی جهت خده
کردن اسقلاب بمعظوب کسب انتیازات جریش تکنیک
میدهد:

آستانبوسی درگاه بورزوای

رویزیونیستها از آنکه میلیونین و مجریان می‌شی
وايدولوژی بورزوایی در جنگن کارگری هستند،
وطبقه اساسی اشان تسلیع اعماده بورزوای در
سین طبعه کارکردن و بوده هاست. آن حضرت "کاسپیها
و ناسخ نم" موحد درگاه بورزوای را سینید،
حرس دیدیستی و مصیتیهای را دره بر میلیونیه
زمینکش را ذکر کنند. اما پس از دیدن همه اینها در بین
توهدهای زحمتکش بدلیلیت این ایده می برد از دید
که میاد از اعتمادیه بورزوای دست برد از دید
اکثر جریان روزیبویستی اکثریت در ریا می
مطرح میکردد که از "جنای خوب" هیات حاکمه رفای
حاج بد آن ساختی دفاع کرد و اکر اساز را می‌سی

اسقلاب خط کشی روش و صریحی می نمایند. معنای
طبقاتی این خط کشی صریح چیز جسمگذیری منعنه
نه حاصل بورزوایی نمی شود. آنان اگر تابحال در
برده از بورزوایی حمایت می نمودند، اسکار کشا را
بعدفای از آن سلند میشوند و بین ترتیب چهره افغانی
خود را آشکار را رسماً زند.

"دریک بحران (...) اسیوهی قابل توجه از
ابورتویستها که از طرف بورزوایی حمایت و
اغلب بوسیله آنها هدایت میشوند (این حوصله
مهم است) بسوی اردوی بورزوایی میروند، به
سوی ایسم خیانت میکنند. سرمه طبقه کارگر
دریمیسا دنواز از اخراج میکنند. در هر چهار نسی
بورزوایی همراه به ابورتویستها کمک جواهید
کرد همیشه بخش اسلامی برولترا ریا را سرکوب
راسته ای ارجاع حاکم به بیش می برد. منی جریکی
محوری بود که اینها این میتوانند و بین توهدهای
نشان میدهد و غیرها توپی ترسی و ظالمانه ترین
عملهای نظامی را بکار میکنند. ابورتویستها
دشمنان بورزوایی اسقلاب برولترا ریا میباشد
در زمان صلح آنها اعمال بورزوایی میخواهند
در دیگر ایام مهدده حضوری بنا گهاء در
احزاب کارگران سرمی آیند. در زمان بحرانها
آنها بلافاصله بعنوان متفقین مجموعه بورزوایی
متعدد از محافظه کار را دیگل لترن و دمکرات -
ترینین بخشن آن از آزادگان تا بخش مذهبی و
متین آن در می آیند. کسی که بعد از وقتی
خبر این حقیقت را درگیر نکرده با شنبه عیت خود
و کارگران را غریب میدهد."

(ثنین - مقاله "واتکنون چی؟" در موسیال دمکرات
شماره ۲۶ - ۹ زانویه ۱۹۱۵)

میباشد طبقاتی بیرون می‌گردید. این میباشد در رسیر
فرار یا تهدید خود خط کشی و مرزه دنیا می‌باشد - طبقاتی
تیروها را وشنترن می‌سازد و دور مقطع سحران و خمولات
انقلابی اشنا می‌باشد سیاستی را بر جست می‌خواهی
ایمیریا بیسم شوری در عرصه جهانی به میانه بیک عامل
بپروری برگراشت در روزی شاه "میاره میکردن" گراشی که
خواهان اسقلاب بودو... مجع کشته بودند. به کنار
رفن محوری تیزیکی، فاصله این کارها ناشی از این
نکارهای در این سازمان گروشی که این موضع لیبرالی
علیه "دیکتا نوری شاه" میاره میکردن گراشی که
خواهان اسقلاب بودو... مجع کشته بودند. به کنار
رفن محوری تیزیکی، فاصله این کارها ناشی از این
دیگر این مخصوص استخداخه و این گیری میاره طبقاتی
در میان ساقط شدن روزی شاه خان و سه روی کار آمدن
دولت جدید بورزوایی این فاصله درجهت تعمیق و
زوف شدن میکنند. بعلاوه تعریف روزیبویستی و موسیال
ایمیریا بیسم شوری در عرصه جهانی به میانه بیک عامل
بپروری برگراشت در روزی شاه میکنند. اکسر
نفوذ روزیبویستی در این سازمان را تقویت می‌نمایند
مجموعه تحولات فوق منجره جدا شدن بخش ای اسرازمان
جریکیها فدا شی از اسقلاب و روی آوردن آن سے
بورزوایی میکردد. آن سعی ارگراشت خود بورزوای
- شی این سازمان که تدبیه سریزی و پاکیری سوده
و باکراش ایدولوژیک روزیبویستی باز می‌خواهی
میشند میاره اسقلابی را رها ساخته و هر اسلاخی
- گیری اسقلاب به ردوکا بورزوای روی می آورد.
هر اس از اسقلاب و توسعه میاره بورزوای اسقلابی
این جریان را و میدارند از درگاه بورزوای پیش
بگرد و با اسقلاب به مقابله برخیزد. این جریان امساد
همه جریانات روزیبویستی و ابورتویستها دری می‌شی
نه تنها مزهای خود را دیگر سریزی و بیکه همچنین با
از هر زمان دیگر منحا یز می‌سازند، بلکه همچنین با

پرچم مبارزه ایدولوژیک را بر افراسته قریب ازیم

می آورند و می کوشند تا برپولن ترا را از دنیا نهاده و روسایت
و منی سوز روزگاری سیاست دنیا نهاد. بی سبب نیست که امسروز
سازمان جریکاهای فداشی (اکترس) (من از زه طفایی
برپولن را و همراهی اورانی کرد و اورانه حمام است
و پیشیانی از سوز روزگاری و زیست جمهوری اسلامی فرا -
میخواهند و بی سبب نیست که امروز هیران رویز بیوست
همین سازمان در پیشگاهی ایکی ارسانیدگان منبور
جهزدگری نیست.

واضح تراز این سمتینان سخن گفت: رویز بیو -
نمیشانها درپی برپور زوازی سوکنند می خورند، اکه درپای
نیره ای بیکر اسقلاب و تکا می ازره طبقاتی
با نیستند. آنان سوکنند می خورند که کمیت بیو زوازی
را محترم شوند و پایان را نیاشند. آنان سوکنند می -
خوند که درپی برپولن را با سینه شو بیو زوازی

نمیگشانند و بیو زوازی را درمیان طبقه ونده ها
چیزی کمیم! این جهانی از همین حکم است: روزی بیوستی
جیزدگری نیست، جمیشی سازش طفایی و نفع انقلاب
جهزدگری نیست.

رویز بیوستها و احلال طلبی آنان

رویز بیوستها که منکی برپایت مذموم را کمیت
و بیو زوازی می باشد و طبیعته دنیا افکار و غایبی
رویز بیوستی: بیو زوازی را درمیان طبقه ونده ها
شلیعه حمایت نمایند، در عین حال اسقلاب طلب شیرینی
آنان ملطفین و مجریان می شوند رویز بیوستی می باشد
نمیعی آنان در میان بنوده ها اعتماده بیو زوازی را

شلیعه گردید، بنوده ها از اسقلاب منظر ساخته و
حکمیت از جمیع بیو زوازی را در پنده طبیعت کارگر و
زمختکان موجه و توان خلوه می دهند. آنان بحای
اعمال حموده دارد، اکرمای اعما دنده شدم
که در این حیatos سیم بیش اینجا صحت کنند
هرگز این کار را نمیکردیم! (همانجا).

بله بیوستی: "ما بحظر!" است اما نظرات و مقابله
او در چهار روحوب مصالح و منابع هشت حاکمه ایران میز
مکنند او "ما نیز" را میتوانند پرسی کنند، اما از
دیدگاه بیو زوازی و درجهت منافع ارتضاع حاکم این
می نشوند. ولی رویز بیوستها به این
می ثل بیو ری منفوند. ولی رویز بیوستها به این
می ثل کاری ندارند، و ما هب طفایی عقاب و نظریات
برای این مهمنم است. ولی نشانه جیزی هم که بر این شاه
است بپاکه کردن عاید و نظریات بیو زوازی است! آنان
از این دنیولوژی و ساسط طبقه کارگر کلاه پسرده اند،
آنان بسیار زیارت را اعتماد اشته و همین خاطر سرای
کرده اند رهمند از بیو زوازی سینکا اه و شافتندند.
آن را درپی برپولن زیارت خود را در مردم نمی داشتند
کا می قرار مدد هستند اسوانه ای را این جزو در بافت
کنند اسان بخواهند سرمه رویز بیوستی شان اجازه
می داشت علمی داشتند و ساری اس نظور درست شدند
بیو زوازی را سو مرسند. ولی سهنه که در بیهی آنست
نا اسان راهه تند خود را داده، اس کارگر اسوسال
ای مریا لسیمه جا کریسا معا را ارتضاع تندیل ساید
حقیر کارا سهند رهمند مردم میگوید: "بروید! اعتماد
را مردم کردن اسان منتفل کمید بیک گروه ما آن مقدار
اعتماد و نفعدا حسما یعنی مدد اند که مخنوا هم بگویم."
آسان را زوی بیوست فهمیده بگویی کند.

بدین ترتیب بیو زوی بیوستها کسب قدرت سایه
می باره ای محدود در چهار روحوب می توانند بیو زوازی اخنه ،
شا لاشها "جه مخدوا هدگوبد؟" و میگوید اعتمادی را که
نمی سین دارند بوده ها اسفل دهد. او می -
کوشند بوده ها بگو شد که اسان راه طبایی و اسقلاب علیه
طبقایی خاک سلطان اسفل اسفل بوجو ده و بروولناریا
دشنه را بپور زوازی ساخته و می زایش این طبقایی
را اندام از جریک اسفل بیو زوازی ستدل می ساند آسان
می کوشند اسان بخواهند می خویشی را نهی می کند.

بیو زوازی به رویز بیوستها همود می دهد اسان
محربان خویی برای سیاده کردن ساسط طبایی
سایه، و میخواهند سرمه رویز بیوستها بجههند میگرفتند
اس مار موكول به سیاده کردن ساسط طبایی در کردار
می ساند. و میخواهند آنها سهنه بدهند که کریس ایمان
ارهیت حاکمه موکول سهنه کامل مواضع و افاده ایم
اعلامی سازمان جریکاهای فداشی در گذشته است .
نهنستی مردم میگوید:

"سینه ایست که ساری ایست که ساری جریکهای فداشی

خلو سمند و حمیدی حدیه کنندرا ایست مدد خدا

کرده ای دو سعد اعلام مواضع حدیه کنند." اکسر

می کوشند اسان عملکرد ساقی ارگ دیسه ایست

بیو زوازی را در دستور کاخ خود فراز داده و حنچه ای

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

پیکار

دوسنده ۳۵ نمره
صیغه سازه ۶۴

با بداجازه دهدسا سازمان جریکهای فداشی (اکتبر) فا نوئی گردد و شرشه آن سطور فا نوئی اجراهه استشاره پیدا شماد در همین ارتضات است گروپریوپسیتها خودمی گویند: «ما مثل منخر است، یکی امتیاز شریه است...» والبته بیشی نیز میلاوا مله در بایخ میگوید: «من فکر میکنم همه اینها قابل طرح است، از نظر شخص خودم من فکر میکنم زمان میردوپا سک کفت و گونینتوان چندکا میرد است». (همانجا) مثال فوق الذکر ریکوبوی بعنون سازش را سمعنا میرپا بدزا رسوی دیگرسا است اخلال طلبی جریان روپریوپسیتها اکتبر ۱۷ شکار استوارش میکدارد، امروز پس از این اخلاقی ریکوبوی بیشها که از اخلاق روح برنا فته است بدزگاه سورزادی روآورد و آنرا ترغیب می شماید تا سازمان و شریه شان فا نوئی و علیه کردد و بدين شرتبه مبنای محکمین بورزوای روپریوپسیها بسته شود. لذین من نویم: روپریوپسیها حق پرولتا ریباری اخلاق را درپارپرسیوں می باشند و می میظطر حفظ تشكیلات مجاوز درجه رجوب قوانین پلیس فروخته اند» (نکت استرنی سیوانال دوم)

حال آنرا می سازمان جریکهای فداشی (اکتبر) منع اخلاق را مستظر تشكیلات مجاوز و این تشریه سیک جو فروخته است؟ آنرا می سازنی این سازمان دورا مازش با بورزوای حاکم به اتفاق پشت نکرد ما است؟ آنرا می این سازمان به روپریوپسیم در غلبتیده است؟

رسوپوت سازمان جریکهای فداشی (اکتبر) سروپوت همه جریاناتی است که ریکوبوی میرپا بور-توبیسم مماثات و سازش میکند، سروپوت همه جریاناتی است که سیما رهه قاطع علیه روپریوپسیم خروشچی و سوسال امیرپا لیسم شوروی برمی خیزند، هر جریانی ساز روپریوپسیم سازند خوده مردا و روپریوپسیم در پی غلندوبابورزوای اوردر آشی درمی آید.

اسا دوراه اسایی پیشتریست: بیار کسیم - لیسمیم بارپریوپسیم، بیهان دیگر کاره بپرولانیا و باره بورزوای برای آنکه هارکسیم با بدیا روپریوپسیم بجنگیم و ریاری آنکه در راه بروولتا ریا و تحقق کموسیمه بیش روپیم باید علیه سورزوای و ایدنولوژی اوردر صفو طبقه کارگرکاره طفانه می ردمه اش، روپریوپسیم دشن اهل و اتنی نا بدیر مار کسیم لینینیم است. کموسیمها میهن ما مبارزه می رخخت و سترگی با این دشمن آشی نا بدیر در جنگش کارگری در پیش دارند. بدون میاره قاطع و بیکسر علیه روپریوپسیم بپرزوی در میاره قاطع روپریوپسیم و میاره علیه بورزوای حاکم مکان بدیرنیست.

بساده کردن متی سرکوسی سطا مجاکومولطفه بورزوای میتلر موجود سکلایس آهنس و غرفه سوئی است بدون تشكیلات سازمان و باز بحر انتقامی و محی کس قدرت ساسی غیر ممکن است حال آنکه ساده کردن متی سازشکاره و لیسرا لی ایراستکلایس میتسا سا خودرا مطرخ میارد. روپریوپسیها از آنها که سه سورزوای اعتماده شده و گوینین آنرا مرسحت می شنیده اند. ساده کردن این اخلاقی طبقه راضی میکند، سرکورت سک سازمان محی اینلایی که میتواند بورزوای را رسکون کند خط بطلان می کند. روپریوپسیها که سکلی ایکاهه مضمون لیسرا لی ساست خود ریبی آندتسا شکلایی قا سوی و علیه داشته باشد. لذین در این ریمه می بود: «در را بطریها تشكیلات، اخلاق طلبی معنای نفی صرورت سک حرب سوسال - دمکرات غیر علنی (غیرفا نوئی)... میباشد» (اخلاق و اخلاق طلبی) در را فوج اخلاق طلبی رهی داشتار «خوب آشکار» میباشد آن از بورزوای زی می طلبیدن سازمان و با جریان را فا نوئی شمده و جا زده علیه دهد. طبعا بخت برسا می بست که میکوسیتها سا بدارش باط وا مکانات علیه استفاده بکند. جبروا شه و غیره مار کسیمی خواهد سودا ایکرکوسیتها از مکانات علیه چه توسعه و سخود خود ری دشان طبقه و نوده ها و پیشورد میاره طبقه بجهه میکرند. ولی مصله مورد بحث اسکاره در شا طح کمیت بورزوای و دا تغلب سک سازمان و با حرب محی، غرفه سوی و اسفلایی چه هدایت می افقلات شوده ها لازم و سرکورت سکارا سپار دیگر است.

حال آنکه اخلاق طلبی جسی میورتی را ایکاره می کند و می باشد همی باز طبقه سی حاری کاملا خاست و ورزید و می سیمیم چکوشه چو هر بورزوای شی روپریوپسیم آشکار میشود. می سیمیم چکوشه میتوان صحبت از مار کسیم کرد. امداد مضمون سیاست و در کردا ریست سه آن خبات نمود.

هم اسطوره که دیدیم روپریوپسیتها در عرصه سیاست اخلاق طلبیدن و حاره میلخ بورزوای سکنا ند و سی ایدنولوژیک بپرولتا ریا راهه ریش بک جو به بورزوای بفروشند. ولی میثله ها بینخا محدود نمی شود. روپریوپسیتها عجین در عرصه میاره طبقه تی درز منته تشكیلاتی نیز اخلاق طلب می باشند.

می داشتم که روپریوپسیتها به قاتونیت رزیم موجود خنرا می گذارند و قواتنین بورزوای را به رسمیت می شناسند. آن خواسته های خوبی را در چهار رجوب میا سات حاکم قابل تحقیق می بینند و در تسبیح برای اس این میا سات میکوشندتا ایرا و متناسب سا این سیاست را سیزده چیک آورند. روش است که



پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر